

و در دم در غیبت شوهر بزرگ فضاخ اوداعی بر قهای شوهر نمند  
 و حضرت الدمن زنی باشد جمیل و بد اصل و نشیبه و بسزیه زلفها  
 کرده اند و همین معانی در حدیث سید المرسلین صلی الله علیه و آله  
 وارد است و چون کسی بسیار زن قیام نتواند نمود  
 اولی او را غر زوت باشد **لم چهارم** در سیاست اولاد اولی  
 باید که دایه لایق معتدل مزاج برای او تعیین کند چه کیفیت مزاج  
 و نفسانی و ایه در مولود سرایت دارد و چون در شریعت حقه  
 وارد است که تعیین اسم در روز هفتم کردن اولی است  
 متابعت آن باید نمود و همانا حکمت در تاخیر آن باشد که بعد از  
 تاخیر نامی لایق تعیین نمایند چرا که نامی ناپایم تعیین کنند همگی از آن  
 در گذورت باشد و از پنجه رعایت نام کردن از حقوق فرزندان  
 بر پدر و چون رضاع تمام نشود بنا و بیاد مشغول باید شد  
 تا کسب اخلاق فیمیر نکند چه قابلیت ایشان بر کمال است بلکه  
 طبیعت بر زایل در نفوس مگر کز است چنانچه سابقا بیان  
 رفت در تمهید اخلاق او بر وجهی که گفته شد نامی طبیعت نوزاد

از

ترتیب نگاه باید داشت و چون اولی آثار قوت تیز حیات چنانچه  
 گذشت علی حدیث دلیل نجابت و فضیلت باشد پس چون این خصلت  
 از دست او رود و در تاویس تمام زیاد باید نمود اولی و بیاد  
 اگر او را از مخالفت با خدا که بر ذایل موسوم باشند منع کلی  
 نماید چه نفوس صبیان بنزله روح ساسده باشد و قبول صور بهوت  
 نماید و بعد از آن او را سراج دین و اداب و سنن بیاموزد و بواجبیت  
 بران داند و بر امتناع از آن زجر و تادیب نماید بقدر طاقت  
 و مقدار قوت او چنانچه در احکام شریعت مقرر شده در سن هفت  
 سالگی او را نماز امر کنند و اگر سن ده سالگی ترک کند او را بفریب  
 تادیب کنند و او را بد حجاب و مذمت امر از بجزایات تحصیل  
 دهند و از شر و رتنقیر نمایند و اگر جمیل اتیان نماید محبت کنند و تا  
 میسر باشد سر زینش صریح نکند بلکه حمل بر سهو کنند تا موجب حرج  
 او نشود و اگر پوشیده دارد و تنگ است از نخند و اگر تنگ را از آنجا  
 در خلوت او را توبیح بلوغ کنند و در قیام آن فعل ببالند نمایند که مباد  
 بلاست عادت کند و وقاحت در او راهی نشود و بعضی است

Copyright © King Fahd University